

ای یاران عبدالبهاء جناب آقا سید اسدالله به اسکندریه...

حضرت عبدالبهاء

نسخه اصل فارسی



۴۴

ای یاران عبدالبهاء جناب آقا سید اسدالله به اسکندریه وارد و ملاقات حاصل و چون مأذون به مراجعت گشتند نام شما نگاشتند و نامه خواستند اما عبدالبهاء مانند طبری که چند شبانه روز متماداً و مستمراً پرواز نموده و دقیقه‌ای آرام نیافته و در نهایت خستگی و ماندگی به درجه‌ای که تحمل تحریر یک کلمه ندارد باوجود این از هیجان محبت الله و امواج بحر الفت احباء الله به تحریر پرداختم تا بدانید که این قلب چقدر منجذب آن نفوس مبارکه است و این دل و جان چگونه اسیر یاد یاران. باری مدتی بود که در ممالک غرب مانند نسیم هر روزی بر اقلیمی مرور نمودم و در جمیع موارد و مواقع یاد یاران شرق کردم و دل و جان را هر دم هیجانی حاصل بود و حسرتی دائم که چگونه به هجران آن یاران قدیم افتادم و هیچ جایی را ملجأ و پناه نمودم شبی در کوهسار بوم و روزی در دشت و لاله زار وقتی در قطب بحار و روزی در سواحل دیار و شب و روز فریاد و نعره به ذکر حضرت پروردگار میزدم حال به اسکندریه آمدم و روی یاران شرق دیدم و الحمد لله مسافرانی در نهایت تبطل و تضرع مشاهده کردم و به یاد شما پرداختم و امیدم چنان است که انوار شمس حقیقت چنان بر خاور بتابد که از یک تجلیش باختر روشن گردد.**.**

یاران ایران سبب سرور اقالیم سائره گردند و به هدایت جمیع روی زمین پردازند الحمد لله تأییدات جمال مبارک مانند باران آذری پیاپی مبارد و توفیقات صمدانیه میرسد پس ای احبای الهی وقت را غنیمت



ORIGINAL



AUDIO

شمرید و به تربیت نفوس پردازید و فکر نورانیت بی نهایت خویش باشید شرق را منور نمائید غرب را
معنبر فرمائید جمیع مشامها را معطر کنید و علیکم البهاء الأبهی ***.**

